

ابزار دستیابی به برتری اقتصادی



رضا پیدار

کارشناس مسائل اقتصادی

بازار انرژی یک بازار سرمایه‌بر است و در سال‌های بعد از ۲۰۱۵ سیاست‌گذاری جهان به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک رفته‌است. با توسعه این سیاست، آیین‌نامه‌ها و مصوباتی در کشور‌ها تصویب شد که هر گونه سرمایه‌گذاری جدید در توسعه سوخت‌های فسیلی توسط بانک‌های توسعه‌ای مانند بانک جهانی و بانک توسعه اروپا و بانک توسعه آسیایی را ممنوع کرد؛ در نتیجه سرمایه‌گذاری به‌وضوح در زمینه سوخت‌های فسیلی به‌ویژه نفت خام کمتر شد و به‌تدریج اکتشاف و استخراج سوخت فسیلی از منابع جدید کاهش یافت. به این ترتیب توسعه صنعت نفت در جهان قبل از سال ۲۰۲۰ و بیماری کووید-۱۹ دچار بحران شده بود. همچنین باتوجه به شرایط حاکم بر بازارهای نفت و مواد هیدروکربوری می‌توان گفت نرخ نفت قابل پیش‌بینی دقیق نیست و این قیمت‌گذاری به عوامل متعددی بستگی دارد و همه عوامل قابل پیش‌بینی نیستند. از عوامل خارجی گرفته تا عوامل ساختاری فنی و اقتصادی و عوامل ژئوپلیتیک، سیاست و روابط خارجی، همه در تعیین نرخ نفت اثر دارند. در شرایط یادشده نیز گرچه نمی‌توان نرخ را پیش‌بینی کرد اما به‌نظر می‌رسد این روند همچنان صعودی خواهد بود. این اتفاق به‌دلیل رشد تقاضا، کمبود عرضه و ناپایداری تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در حال رقم خوردن است. بااین‌همه آینده بازار انرژی ایران بستگی به نحوه تعامل کشور با دیگر کشورهای تولیدکننده عمده در بازار انرژی دارد. از طرفی افزایش نرخ نفت در کوتاه‌مدت به نفع دولت خواهد بود و ممکن است با افزایش درآمدهای نفتی، دولت پس از پرداخت هزینه‌های جاری، برای هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری ثابت هم اعتباری در نظر بگیرد، این در حالی است که دولت باید از فرصت افزایش درآمدهای نفتی استفاده و موقعیت ایران را در بازارهای تولید و عرضه انرژی پایدار کند. البته اگر دولت عقایدی تر رفتار و بنواند پول درآمدهای نفتی را از بودجه جدا کند و مانند نروژ و امارات درآمدهای نفتی را تنها به سرمایه‌گذاری در تولید و توسعه تخصیص دهد، افزایش نرخ نفت به سود ایران زمین خواهد بود. باتوجه به روند افزایشی نرخ نفت و نیز افزایش نیافتن سطح تولید نفت خام، پیش‌بینی می‌شود با تثبیت نرخ ۸۰ تا ۱۰۰ دلار در هر بشکه مواجه شویم که با توان صادراتی یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکهای روزانه، ایران می‌تواند حدود ۵۰ میلیارد دلار در یک سال در آمد نفتی داشته باشد. البته باتوجه به متغیر بودن نرخ در طول سال و همین‌طور میزان فروش، این اعداد تنها یک فرض و ظرفیت است. پیشنهاد می‌شود وزارت نفت یک بار دیگر روی راهبردهای کلی تمرکز و تجدیدنظر کند، زیرا در سال‌های اخیر و به‌دلیل تحریم‌ها و البته برخی ناکارآمدی‌ها، نقش ایران در مناسبات انرژی منطقه و جهان دستخوش تغییراتی شده‌است. آنچه مسلم است کشورها برای دستیابی به برتری اقتصادی، باید به منابع انرژی دسترسی و تسلط داشته باشند. ایران به‌دلیل موقعیت بی‌همتای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دارای توان تأثیرگذاری بالایی در مناسبات بین‌المللی در حوزه تولید مواد هیدروکربنی است. همچنین با داشتن بیش از ۷۰۷ میلیارد بشکه ذخیره قابل استحصال هیدروکربوری مایع و ۲۳ تریلیون مترمکعب ذخیره قابل استحصال گاز طبیعی و نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز به آب‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش مهمی را در معاملات بین‌المللی انرژی ایفا کند. ایران هم‌اکنون در کانون ۷۵ درصد از منابع انرژی جهان قرار دارد و این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک می‌تواند ایران را به یکی از قطب‌های بالامتاز قدرت در جهان تبدیل کند. طبیعی است بهره‌گیری از این موقعیت ممتاز و ایفا نقش موثر در مناسبات انرژی، مستلزم تدوین دستور کار مبتنی بر داناش، درایت سیاسی و آگاهی از پوشش‌های ژئوپلیتیک با محور انرژی است. از سوی دیگر شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان از سویی و موقعیت استراتژیک ایران در حوزه انرژی جهان از سوی دیگر به سستی پیش می‌رود که وضعیت فعلی و آینده کوتاه‌مدت انرژی را به مصرف‌کنندگان بحرانی کرده‌ است. در این شرایط ظرفیت تولید نفت خام برای تعادل بخشی به بازار از اهمیت برخوردار خواهد شد. این امر نیازمند حضور اثرگذار تولیدکنندگانی است که توان پاسخگویی به مازاد تقاضای انرژی را داشته باشند و مانع از برهم خوردن تعادل بازار شوند. ایران یکی از معدود تولیدکنندگان نفت در جهان است که ظرفیت اضافه تولید نفت خام را دارد، به همین دلیل نیز همواره نفت ایران برای بازارهای جهانی اهمیت خاصی داشته و این موضوع مورد توجه جدی قرار گرفته‌است. با توجه به مازاد یاد شده در آستانه سال جدید، باید نگاه دقیق‌تری به جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در بازار جهانی انرژی داشت

ویژه

منصور حقیقت پور:

ایران پای منطق گفت و گوايستاده‌است

سفر اخیر ارافاتل گروسی به ایران بسیاری از کارشناسان را به سمت این تحلیل‌کننده که ممکن است در آینده‌های نزدیک و با رفع مشکلات میان ایران و آژانس، مذاکرات برجامی هم از سر گرفته شود، یک فعال و تحلیلگر مسائل سیاسی، درباره این موضوع اظهار داشت: من سفر اخیر آقای گروسی به تهران را مثبت ارزیابی می‌کنم. ایران اول گفت‌وگو است و چون در گفت‌وگو منطق دارد، از گفت‌وگو هم استقبال می‌کند و این آژانس بوده است که همواره به آهنگ صهیونیست‌ها رقصیده است اما چون ایران پای منطق گفت‌وگو ایستاده‌است، غربی‌ها مجبور می‌شوند با ما از گفت‌وگو وارد شوند و حالا هم در این سفر نتایج مثبتی را شاهد بودیم. منصور حقیقت‌پور گفت: این سفر باعث می‌شود که سوءتفاهم‌ها برطرف شود و در این صورت بستر احیای برجام هم فراهم می‌شود. از سوی دیگر نگرانی‌های بیپرده اروپایی‌ها هم کم خواهد شد و ایران توانست فضای ایران هراسی که صهیونیست‌ها ایجاد کرده بودند را بشکند. این تحلیلگر مسائل سیاسی همچنین بیان کرد: من امیدوارم در داخل هم تحرکات تندروها کم شود. حقیقت‌پور در پایان درباره تیم مذاکره‌کننده تصریح کرد: اگر رویکرد تیم مذاکره‌کننده تغییر کند می‌تواند مثبت عمل کنند.

محسن جلیلودردر گفت و گو با «آرمان ملی»:

عربستان، توسعه را به تنش و جنگ ترجیح داده

چین برای امنیت سرمایه‌گذاری هایش در خاورمیانه میانجیگری کرد

غرب در توافق ایران و عربستان نقش داشته‌است

عربستان نمی‌تواند خارج از هژمونی آمریکا با ایران توافق کند

عربستان متوجه این نکته‌شده که برای رسیدن به توسعه باید امنیت داشت



آرمان ملی – احسان انصاری: توافق ایران و عربستان چه پیامدهایی برای ایران و منطقه خواهد داشت؟ چرا چین بین ایران و عربستان میانجیگری کرد؟ چین از این میانجیگری چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا در توافق ایران و عربستان، ابتکار و خلاقیت دولت دلیل موفقیت مذاکرات بود؟ آیا چنان‌که اصولگرایان عنوان می‌کنند این توافق باعث کوتاه‌شدن دست آمریکاز منطقه می‌شود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر محسن جلیلودن، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت و گو کرده‌است. جلیلودن معتقد است: «عربستان نیز به این نتیجه رسیده که در عرصه بین‌المللی به جای اینکه وارد فضای تنازع شود باید وارد فضای رقابتی شود. هنگامی که یک کشور در عرصه بین‌المللی وارد تنازع می‌شود مجبور می‌شود هزینه‌های بیشتری پرداخت کند. به همین دلیل کشور‌های مختلف به سمت چنین رویکردی حرکت نمی‌کنند و با هوشمندی توسعه‌ور شد رافدای تنش و جنگ نمی‌کنند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که ایران و عربستان نمی‌توانند همسایه‌های خود را انتخاب کنند و کنار هم قرار گرفتن این کشور‌ها اختیاری نبوده‌است. در واقع شرایط ژئوپلیتیک هر دو کشور وضعیت کنونی را به آنها تحمیل می‌کند و نه شرایط استراتژیک». در ادامه حاصل این گفت و گورامی خوانید.

◀ **ایران و عربستان با میانجیگری چین پس از ۷ سال رابطه خود را از سر گرفتند. این اتفاق چه پیامدهایی برای ایران و منطقه به همراه خواهد داشت؟**

ایران و عربستان به عنوان دو کشور مهم خاورمیانه باید مشکلات خود را با هم حل کنند. این در حالی است که میانجیگری چین نیز در این زمینه حائز اهمیت است. در توافقی که بین ایران و عربستان به وجود آمده سه عنصر مهم وجود دارد، نخست میانجیگری چین است. پس از سفر رئیس‌جمهور چین به کشورهای عربی و مسائلی که در بیانیه پایانی این نشست با چین بیان شد باعث رنجش مقامات ایران شد. بااین وجود برخی اخبار حاکی از این است که چینی‌ها در همان سفر با مقامات عربستان درباره رابطه با ایران صحبت کرده بودند. در شرایط کنونی چین بخش مهمی از سهام آرامکو عربستان را خریده و از سوی دیگر برخی عمده‌ای از واردات نفت این کشور توسط عربستان تأمین می‌شود. این وضعیت درباره امارات متحده عربی نیز وجود دارد و چینی‌ها در زیرساخت‌های امارات سرمایه گذاری‌های زیادی کرده‌اند. به همین دلیل نیاز دارد که امنیت سرمایه‌گذاری‌هایی که صورت می‌دهد حفظ شود. در نتیجه

اگر به هر دلیلی بین ایران و عربستان درگیری ایجاد شود سرمایه‌گذاری‌های چین به منطقه به خطر می‌افتد. به همین دلیل تصمیم گرفت بین ایران و عربستان میانجیگری کند. موضوع دوم حضور دبیر شورای عالی امنیت ملی در یکن برای امضای توافق با عربستان است. به صورت طبیعی این اتفاق باید توسط وزارت امور خارجه صورت می‌گرفت اما زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی به این سفر رفته به معنای این است که تصمیمی که در این زمینه گرفته شده فراتر از دولت و بلکه تصمیم نظام بوده‌است. به همین دلیل زیرمجموعه‌های دیگر باید از این تصمیم تبعیت کنند و اگر انتقادی نیز دارند نمی‌توانند به دولت انتقاد کنند به دلیل

اینکه مجموعه بالاتر از دولت چنین تصمیمی گرفته‌است. نکته سومی که باید به آن توجه کرد این است که این توافق با نظر و همراهی آمریکا بوده‌است. شرایط به شکلی نیست که چین و عربستان به صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن دیدگاه آمریکا در این زمینه چنین اقدامی انجام داده باشند. بدون تردید این توافق با رضایت آمریکا صورت گرفته‌است. اینکه آمریکا در این زمینه به چه میزان تأثیرگذار بوده بستگی به اتفاقاتی دارد که از این به بعد رخ خواهد داد.

◀ **اصولگرایان تلاش می‌کنند این توافق را دستاوردی مهم برای دولت معرفی کنند. آیا در واقع این توافق با ابتکار و خلاقیت دولت به نتیجه رسیده‌است؟ از سوی دیگر آنها عنوان می‌کنند ما با این قرارداد دست غرب را از خاورمیانه کوتاه کرده‌ایم. آیا در واقع چنین است؟**

هنوز جزئیات دقیق این توافق مشخص نشده و به همین دلیل مشخص نیست چه اتفاقی افتاده و دولت چه نقشی در این زمینه داشته و چه تعهداتی به طرف مقابل داده‌است. زمانی می‌توان درباره دستاوردهای این توافق صحبت کرد که جزئیات آن مشخص باشد و دولت نیز دست بالا را در این توافق داشته باشد. این در حالی است که ما هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده و ایران در پی این توافق چه تعهداتی داده و در مقابل چه تعهداتی به دست آورده‌است. اگر کسانی که آن را دستاورد می‌دانند از جزئیات توافق اطلاع دارند موضوع دیگری است اما در شرایطی که جزئیات این توافق افشا نشده چطور می‌توان دستاوردهای آن را متعلق به یک جریان سیاسی دانست؟ ما

دو قرارداد ما عربستان داشته‌ایم که یکی از آنها قرارداد امنیتی بود و دیگری نیز قرارداد مالی و اقتصادی بود که در دولت آقای خاتمی بین دو کشور بسته شده بود. تنها جزئیاتی که مطرح شده همین دو موضوع است که این موضوعات نیز از تباطی به دولت ندارد. نکته دیگر اینکه عربستان بدون رضایت آمریکا با ایران توافق نکرده و این کار با رضایت آمریکا صورت گرفته‌است. عربستان و آمریکا با هم پیمان دارند که از نظر نظامی و امنیتی آمریکا به عربستان کمک کند. وضعیت دو کشور در مدیریت آرامکو نیز پنجاه – پنجاه است و پنجاه درصد متعلق به عربستان و است و پنجاه درصد نیز به کنسرسیوم تعلق می‌گیرد که آن را اداره می‌کند. نکته مهم اینکه ۸۷ درصد این کنسرسیوم آمریکایی است. نکته دیگر اینکه مسائل امنیتی، نظامی و اقتصادی عربستان به شدت با آمریکا گره خورده‌ است. به همین دلیل عربستان در وضعیت حداقلی بدون اطلاع آمریکا و در وضعیت حداکثری بدون رضایت آمریکا با ایران توافق نمی‌کند. در نتیجه هنگامی که توافقی صورت گرفته به معنای این است که این کار با رضایت آمریکا صورت گرفته‌است. به همین دلیل دست غرب و به خصوص آمریکا در کار است. عربستان زیر هژمونی آمریکا قرار دارد و نمی‌تواند خارج از هژمونی آمریکا عمل کند.

◀ **با توجه به این توافق چشم‌انداز رابطه ایران و عربستان به چه صورت است؟ آیا وضعیت تنها در ظاهر آرام خواهد بود و خصومت‌ها همچنان وجود دارد و یا اینکه دو کشور می‌توانند در مسیر همکاری‌های دوجانبه نیز حرکت کنند؟**

عربستان یک طرح توسعه برای خود تا سال ۲۰۴۰ طراحی کرده که به یک کشور بدون نفت، با ثروت بسیار بالا و رفاه اجتماعی بالا تبدیل شود. چشم‌اندازی که پیش‌روی این کشور قرار دارد از چنین مسیری باید عبور کند.

تغییراتی نیز قرار است در حوزه اجتماعی و به صورت گام به گام در این کشور انجام شود. این طرح توسعه در مرحله نخست نیاز به امنیت و در مرحله بعدی نیاز به تعامل و همکاری با همه کشورهای منطقه و جهان دارد. به همین دلیل نیاز در شرایط کنونی مشاهده می‌کنیم عربستان در عین حالی که با آمریکا و کشورهای اروپایی کار می‌کند با روسیه، چین، هند و... نیز کار می‌کند و رابطه اقتصادی و سیاسی دارد. عربستان متوجه این نکته شده که اگر خود را در یمن و یا نقاط دیگر درگیر کند نمی‌تواند به چشم‌انداز توسعه‌ای که برای خود ترسیم کرده دست پیدا کند. به صورت کلی کشور‌ها برای اینکه به رشد و توسعه اقتصادی دست پیدا کنند نیازمند ثبات هستند. این ثبات در سیاست خارجی نیز باید وجود داشته باشد. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی عربستان در عرصه بین‌المللی سیاست تنازع را دنبال نمی‌کند و بلکه سیاست رقابتی را دنبال می‌کند. مثال بارز این وضعیت

عربستان یک طرح توسعه

برای خود تا سال ۲۰۴۰ طرحی کرده که به یک کشور بدون نفت، با ثروت بسیار بالا و رفاه اجتماعی بالا تبدیل شود. چشم‌اندازی که پیش‌روی این کشور قرار دارد از چنین مسیری باید عبور کند. تغییراتی نیز قرار است در حوزه اجتماعی و به صورت گام به گام در این کشور انجام شود. این طرح توسعه در مرحله نخست نیاز به امنیت و در مرحله بعدی نیاز به تعامل و همکاری با همه کشورهای منطقه و جهان دارد

چین است که در عین حالی که در حوزه سرمایه‌گذاری عمل می‌کند اما هیچگاه با آمریکا وارد تنازع نمی‌شود و همواره در فضای رقابتی که مسیر خود ادامه می‌دهد. این سخن به معنای این است که چین در عین حالی که رقیب آمریکا به‌شمار می‌رود اما وارد حوزه تنازع با آمریکا نمی‌شود. این در حالی است که روسیه وارد این حوزه شده و در شرایط کنونی با آمریکا در وضعیت تنازع قرار دارد. عربستان نیز به این نتیجه رسیده که در عرصه بین‌المللی به جای اینکه وارد فضای تنازع شود باید وارد فضای رقابتی شود. هنگامی که یک کشور در عرصه بین‌المللی وارد تنازع می‌شود مجبور می‌شود هزینه‌های بیشتری پرداخت کند. به همین دلیل کشور‌های مختلف به سمت چنین رویکردی حرکت نمی‌کنند و به هوشمندی توسعه و رشد را

فدای تنش و جنگ نمی‌کنند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که ایران و عربستان نمی‌توانند همسایه‌های خود را انتخاب کنند و کنار هم قرار گرفتن این کشور‌ها اختیاری نبوده‌است. در واقع شرایط ژئوپلیتیک هر دو کشور وضعیت کنونی را به آنها تحمیل می‌کند و نه شرایط استراتژیک. البته در این زمینه رقابت‌هایی نیز بین ایران و عربستان وجود دارد. در این شرایط ایران قرائتی از اسلام دارد که با قرائتی که عربستان دارد متفاوت است. در گذشته و در زمان آقای هاشمی و خاتمی ایران و عربستان دوبار با هم توافق کردند و همکاری‌های خوبی نیز داشتند. اینکه در توافق اخیر چه اتفاقی رخ خواهد داد و آیا این توافق باعث می‌شود همکاری‌های دو کشور بیشتر شود یا خیر بستگی به شرایط و تصمیماتی دارد که طرفین در آینده خواهند گرفت.

◀ **توافق ایران و عربستان باعث ریزش قیمت دلار در کشور شد. به چه میزان این احتمال وجود دارد که توافق با عربستان که با رضایت آمریکا صورت گرفته زمینه‌های احیای برجام را نیز فراهم کند؟**

در شرایط کنونی ایران و آمریکا در ماجرای احیای برجام با هم سرشاخ هستند. به همین دلیل من فکر نمی‌کنم توافق ایران و عربستان روی احیای برجام تأثیر بگذارد. با این وجود این توافق می‌تواند به اندازه‌ای باشد که عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس به آمریکا بگویند که با ایران به توافق دست پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی مهم این است که آمریکایی‌ها چه تصمیمی خواهند گرفت. در صورت ریزش قیمت دلار پس از توافق ایران و عربستان نیز باید عنوان کنیم این یک شوک روانی است و پس از مدتی فروکش می‌کند. اقتصاد ایران دارای چالش‌های جدی است که باید

در یک فضای پارادایمی مشکلات آن را حل کرد. به همین دلیل نمی‌توان توافق ایران و عربستان را دلیل مهمی برای بهبود وضعیت اقتصادی ایران قلمداد کرد. ما باید به صورت ساختاری چالش‌های اقتصادی را حل کنیم.

نگره

آمریکا و چین برای جنگ بر سر تایوان آماده می‌شوند

جمله‌بندی‌های مودبانه را نادیده بگیرید. واقعیت آن است که تفنگداران دریایی ایالات متحده در حال آموزش دیدن برای جنگ با چین هستند که احتمالاً از طریق حمله پکن به تایوان تسریع شده‌است. پایگاه آنان در اوکیناوا در انتهای جنوبی مجمع‌الجزایر ژاپن تنها ۶۰۰ کیلومتر از تایوان فاصله دارد. این دو جزیره بخشی از چیزی هستند که برنامه‌ریزان نظامی آمریکایی آن را «اولین زنجیره جزیره» می‌نامند: مجموعه‌ای از مجمع‌الجزایر و جزایر بزرگ و کوچک که از ژاپن تا مالزی امتداد دارند و مانع عبور دریایی از چین به اقیانوس آرام می‌شوند. سرهنگ «جیسون کولند» افسر فرمانده دارک ساید می‌گوید سخت‌ترین قسمت ماجرا آن است که با «دشمنانی که به صورت دسته جمعی به سوی شما می‌آیند» مقابله کنید. با افزایش قدرت نظامی چین، پیش‌بینی چگونگی وقوع جنگ بر سر تایوان و در نتیجه بهبود شانس مقابله با چین بدون ایجاد فاجعه هسته‌ای دشوارتر می‌شود تنها قطعیت آن است که حتی اگر تمام تسلیحات هسته‌ای در سیلوا باقی بمانند چین درگیری با پیامدهای وحشتناکی نه تنها برای ۲۳ میلیون نفر جمعیت تایوان بلکه برای جهان خواهد داشت. رهبران کمونیست چین از زمانی که نیروهای ناسیونالیست پس از شکست در جنگ داخلی در سال ۱۹۴۹ به تایوان گریختند مدعی شده بودند که تایوان بخشی از سرزمین اصلی چین است. نیروهای چین اغلب تهاجم جزیره‌ای را در مانورهای خود تمرین می‌کنند. کشتی‌های جنگی و جت‌های جنگنده به طور معمول در خط میانه (در واقع مرز دریایی تایوان) عبور می‌کنند و کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی آمریکا و متحدان آن کشور را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

◀ **تنگه و خیم**

در همین حال، آمریکا مربیان نظامی بیشتری به تایوان اعزام می‌کند. دولت تایوان اخیراً خدمت سربازی اجباری را از ۴ ماه به یک سال افزایش داده است. نمایندگان برجسته کنگره از جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا خواسته‌اند که از حمله روسیه به اوکراین درس بگیرد و تمام تسلیحاتی را که ممکن است تایوان پیش از حمله به آن نیاز داشته باشد در اختیار آن جزیره قرار دهد نه آن که منتظر بماند و پس از آغاز حمله احتمالی پکن این کار را انجام دهد. تلاش‌های آمریکا برای مهار صنعت فناوری چین و دوستی روبه‌رشد شی با روسیه به احساس قریب‌الوقوع بودن بروز بحران دامن زده‌است. فرماندهان نظامی و روسای اطلاعاتی آمریکا می‌گویند که شی به ارتش آزادبیش خلق چین دستور داده تا ظرفیت همه به خلق چین دستور داده تا ظرفیت همه به تایوان را تا سال ۲۰۲۷ توسعه دهد. برخی گمان می‌کنند زمان درگیری نزدیک‌تر شده است. اولین پرسش برای استراتژیست‌های آمریکا این است که جنگ قریب‌الوقوع تا چه اندازه قابلیت هشدار دادن دارد. ارتش آزادبیش خلق چین با حدود ۲ میلیون پرسنل فعال در مقابل ۱۶۳۰۰۰ پرسنل ارتش تایوان به آمادگی‌های گسترده‌ای نیاز دارد تا بزرگ‌ترین حمله آبی ۱۹۴۴ میلادی به این سو انجام دهد. ارتش چین برای این منظور باید کشتی را جمع‌آوری کرده، مهمات را ذخیره کند و مرخصی‌ها را لغو نماید. با این وجود، در یک جنگ انتخابی به رغم آن که شی می‌تواند زمان خود را انتخاب کند بسیاری از این حرکت‌ها می‌توانند در قالب تمرینات نظامی پنهان شوند. مقام‌های دفاعی آمریکا می‌گویند که ممکن است تنها دو هفته جلوتر از نشانه‌های آشکاری از جنگ قریب‌الوقوع اقداماتی مانند انباشت ذخایر را شاهد باشیم. برای عملیات‌های کوچک‌تر برای مثال، به منظور تصرف جزایر تحت کنترل تایوان در نزدیکی سرزمین اصلی ممکن است تنها چند ساعت هشدار وجود داشته باشد. آمریکا می‌خواهد آماده‌سازی چین را زودتر افشا کند دقیقاً مشابه کاری که در مورد حمله روسیه علیه اوکراین انجام داد و توانست انتزافی بین‌المللی را شکل دهد. اگر شی دست به تهاجم آشکار بزند این کار آسان‌تر خواهد بود. با این وجود، چین ممکن است سعی کند از ابهامات در مورد وضعیت تایوان سوءاستفاده کند: تایوان با اکثر کشور‌های دیگر روابط دیپلماتیک ندارد. اگر شی به‌نوعی تحرک اشاره کند و با اقدامات کوتاه‌تر از جنگ مانند محاصره آغاز نماید آمریکا با متحدانش ممکن است با وضعیت مبهمی مواجه شوند. آمریکا چه اندازه خطر گسترش درگیری را تسریع می‌کند: از طریق ارسال ناو‌های هواپیمابر به منطقه برای نمایش قدرت؟ اعزام نیرو به تایوان؟ تهدید عرضه نفت چین از طریق تنگه مالاکا؟ که تمام مواردی هستند که می‌توانند از سوی چین اگر نه اقدامات جنگی بلکه اقدامات تحریک‌آمیز قلمداد شوند. با نزدیک شدن به جنگ تایوان کشتی‌های نیروی دریایی خود را از سواحل آسیب‌پذیر غربی خود به سمت شرق در پشت درشته کوهی که در امتداد سمت شرقی آن جزیره قرار دارد منتقل خواهد کرد. تایوان به دنبال مخفی کردن جنگنده‌های خود در پناهگاه‌های زیرزمینی و بسیج ۲.۳ میلیون نفری نیروهای ذخیره خود خواهد بود. همچنین، تایوان باید هراس گسترده را کنترل کند، زیرا انبوهی از تایوانی تلاش خواهند کرد تا فرار کنند.